

ادراک دانشجویان از شایستگی های تدریس اعضای هیأت علمی
(مطالعه ی موردی: دانشگاه فردوسی مشهد)

امیر حسین کیذوری^{۱*}، سید احمد محمدی حسینی^۲ الهم سلیمانی

A.H Kayzouri^{1*}, S.A. Mohammadi Hoseini², E. Sadat Soleimani

پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۸/۱۶

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۰۱

Received Date: 2019/05/22

Accepted Date: 2019/11/07

چکیده

هدف: موفقیت در تحقق اهداف آموزشی، وابسته به عواملی چون؛ استاد، دانشجو و محیط آموزشی است. شناسایی مولفه های اثربخش بر تدریس اساتید و پرداختن به آن ها از دیدگاه دانشجویان دارای اهمیت ویژه است. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین مهم ترین شایستگی های تدریس اساتید از دیدگاه دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد انجام شده است.

روش: رویکرد پژوهش کیفی و با استفاده از روش پدیدارشناسی در سال ۱۳۹۷-۱۳۹۸ در دانشگاه فردوسی مشهد انجام شد. برای جمع آوری داده ها، از مصاحبه نیمه ساختار یافته و اکتشافی با رعایت اصول اجرای مصاحبه و با تأکید بر اصول اخلاقی استفاده شده است. مشارکت کنندگان پژوهش، دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد بودند که ۲۲ نفر از آن ها بر مبنای اشباع نظری و با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. تحلیل مصاحبه ها با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام شد. با استفاده از تطابق همگونی یافته ها و روش بازخورد مشارکت کنندگان و خبرگان غیر مشارکت کننده از اعتبار تحلیل ها اطمینان حاصل شد.

یافته ها: نتایج نشان داد از نظر دانشجویان شایستگی های تدریس اساتید شامل ۳۱ مقوله فرعی و ۶ مقوله اصلی شامل: مهارت آموزشی، مهارت پژوهشی، مهارت ارتباطی، اخلاق حرفه ای، ویژگی شخصیتی و مهارت مدیریت کلاس است. کاربردهای متصور بر یافته های تحقیق حاضر از جهت آن است که؛ تعیین شایستگی های تدریس مورد نیاز اعضای هیأت علمی می تواند خطوط راهنمایی برای تعیین مسیر و استراتژی برنامه های بالندگی اعضای هیأت علمی باشد و مبتنی بر آن مسئولین آموزشی دانشگاه برای توسعه صلاحیت های حرفه ای اعضای هیأت علمی و ارتقای کیفیت آموزش های دانشگاهی تدابیر شایسته اتخاذ کنند.

کلید واژه ها: شایستگی تدریس، هیأت علمی، دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد

۱. استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزواری، ایران

۲. دکتری مدیریت آموزشی، مدرس گروه علوم تربیتی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزواری، ایران

۳. دانش آموخته دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

* نویسنده مسئول:

مقدمه و بیان مسئله

در دوران اخیر نقش و اهمیت دانشگاه و آموزش عالی در هدایت و اداره امور جامعه و ایجاد تحولات اساسی در راستای رشد علمی و فرهنگی در کشور ضرورت یافته است (Ghonchi, Hossini & Hajazi, 2012). موسسات آموزشی برای رویارویی با چالش های جامعه، نیازمند گسترش رویکرد آموزشی پایدار برای پاسخ گویی به نیازهای تمامی ذی نفعان هستند و با بازنگری در فرایندهای یاددهی- یادگیری به منظور آماده سازی بهتر افراد در راستای تقاضاها و تغییرات اقتصادی و اجتماعی حرکت می نمایند (Serdenciuc, 2013). در همین راستا، دانشگاه ها که همواره مهد تولید دانش، پژوهش و ارائه خدمات تخصصی به جامعه بوده اند، بایستی طرحی نو دراندازند و رویکرد شایسته- محوری را به عنوان راهکاری موثر در نیل به این مقصود، سرلوحه اهداف و رسالت های خود قرار دهند (Share pour, Fazali & Salahi, 2008). با توجه به این موضوع که کیفیت یک موسسه آموزش عالی، در گرو کیفیت و توان علمی اعضای هیأت علمی آن است، نظام دانشگاهی برای پیشبرد هدف های خود نیازمند اعضای هیأت علمی توانمند دارای قابلیت و شایستگی های حرفه ای بالا است (Jafari & Abdosharifi, 2013). به عقیده (Keller, 2001)، اعضای هیأت علمی قادرند شرایط و موقعیت سایر عوامل را با تاکید بر شایستگی ها و توان فنی- تخصصی تحت الشعاع قرار دهند، به گفته وی مهارت و شایستگی های حرفه- ای کمک می کند اعضای هیأت علمی بتوانند، پیامی را که از دانش و مهارت فنی- تخصصی آنها سرچشمه می گیرد به مخاطبین منتقل نمایند. لذا بررسی عملکرد و شایستگی های آنها در ابعاد مختلف و بویژه در حیطه ی تدریس و تاثیر آن که می توانند بر افزایش کیفیت یادگیری فراگیران و دستاوردهای آنان از تحصیل داشته باشند، بسیار ضروری است (Little, Locke, Parker & Richardson, 2007; Steinhardt, Schneijderberg, Götze, Baumann, & Krücken, 2017).

شایستگی تدریس؛ حداقل اطلاعات، مهارت ها، ظرفیت های خلاقانه و گرایشات حرفه ای و مطلوبیت- هایی است که باید توسط اعضای هیأت علمی برای انجام وظایف اثربخش و ارائه خدمات شان کسب شود (Jennings, Barler & Bartling, 1991). این شایستگی دارای شاخص های: مهارت در ارتباط، شناخت نظریه و عمل تدریس، بهره گیری از فناوری، دانش و تجربه در روندهای سازمانی و صنعتی، فهم و شناخت آموزش، مدل سازی یادگیری مادام العمر و مستمر می باشد. بهبود شایستگی آموزشی تلاش مداومی است که نقش مهمی را در آماده کردن راهبردهای نوین تدریس که توانایی نگهداری و انتقال کارآمد اطلاعات علمی را دارند بازی می کند (Bing-you, Rorie, Robert, & Kalli, 2010). تضمین کیفیت آموزش و یادگیری در آموزش عالی را یک تخصص نوظهور فرض کرده اند. (Robert). به طوری که، تضمین کیفیت تدریس و یادگیری بخشی از حکمرانی دانشگاه ها و مدیریت کیفیت در سراسر جهان شناخته شده است. اعضای هیأت علمی با شایستگی تدریس مطلوب، مسئول پاسخگویی به میزان دستاوردهای تحصیلی فراگیران هستند (European Commission, 2012, Jafari & ...)

(Abdsharifi, 2014). همچنین بستر مناسب برای پیشرفت یادگیرندگان در جهت تحقق اهداف مهم آموزشی و توانمندسازی آنان را فراهم می‌آورند (Williams, 2007; Koster & Dengerink, 2008). اگر اعضای هیأت علمی را در کانون فرایند تحول آموزش عالی قرار دهیم، پرسش قابل طرح این است که اعضای هیأت علمی باید چه ویژگی‌ها و شایستگی‌هایی داشته باشند تا بتوانند بر کفایت و کارآمدی تدریس آنان بیفزایند؟ شناسایی شایستگی‌ها و توانمندی‌های آموزشی اعضای هیأت علمی از جمله مهم‌ترین مسائلی است که از یک سو بازخورد مناسب برای تجزیه و تحلیل مسائل آموزشی، تصمیم‌گیری‌های اساسی و برنامه‌ریزی راهبردی در اختیار مسئولان و دست‌اندرکاران آموزش عالی قرار می‌دهد و از سوی دیگر اعضای هیأت علمی با آگاهی از کیفیت عملکرد خود، از سطح توانمندی‌های خود آگاه می‌شوند و امکان برنامه‌ریزی برای ارتقای رشد حرفه‌ای خود را فراهم می‌سازند. بر این اساس مسئله شناسایی شایستگی‌های تدریس هیأت علمی موضوع مهمی برای تحقیق است. برای تعیین شایستگی‌های تدریس روش‌های مختلفی از جمله نظرخواهی از مدیران، همکاران، استادان و دانشجویان وجود دارد. از آنجا که دانشجویان به‌طور مستقیم درگیر یادگیری هستند، مدرسان دانشگاه‌ها اظهار می‌کنند آگاهی از دیدگاه دانشجویان نسبت به تدریس اثربخش در بهبود کیفیت تدریس و آموزش تاثیر به‌سزایی دارد. بنابراین یکی از بهترین و متداول‌ترین روش‌هایی که در بیشتر کشورها برای تعیین معیارهای یک استاد توانمند استفاده می‌شود نظرخواهی از دانشجویان است (Delavar, 1996). زیرا این امر تنها هم‌بیانگر چگونگی عملکردها است، بلکه هم‌موجب ارتقاء کیفیت آموزشی می‌شود. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف بررسی دیدگاه دانشجویان درباره شایستگی‌های تدریس اعضای هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد به انجام رسیده است و در صدد پاسخگویی به این سوال پژوهشی است که شایستگی‌های تدریس اعضای هیأت علمی از نظر دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد کدامند؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تدریس از جمله موضوعاتی است که از گذشته تا به امروز جزو دغدغه‌های اساسی پژوهشگران و نظریه‌پردازان تعلیم و تربیت در سراسر جهان بوده است. تدریس اثربخش در آموزش عالی به‌طور گسترده‌ای معطوف به دانشجویان و یادگیری آن‌ها است. برای رسیدن به این هدف دو اصل اساسی مورد توجه قرار گرفته است. اول؛ اینکه تدریس نیازمند مجموعه‌ای از مهارت‌ها و رویه‌های خاص است که در پژوهش‌ها شناسایی شده‌اند، و دوم؛ آنکه تدریس باید بتواند به نیازهای بافت و زمینه خاص توجه داشته باشد (Salimi & Ramazani, 2015). تدریس فرایندی توسعه‌ای است که تعاملات بین آموزشگر و محیط اطرافش را شامل می‌شود (Steffy, Wolfe, Pasch, & Enz, 2000). در واقع، وظیفه تدریس تسهیل یادگیری دانشجویان است. تدریس با کیفیت موجب تشویق دانشجویان می‌شود تا دانش خود را ساختار بندی کنند و در جهت یادگیری مستقل بکوشند (Trigwell & Prosser, 2004).

هرچه تدریس اعضای هیأت علمی معنی دارتر و سازماندهی شده تر باشد، موفقیت دانشجو بیشتر است (Murry, 1991). نگاهی به تجربه های بین المللی و ملی در زمینه بهبود کیفیت دانشگاه بیانگر آن است که اعضای هیأت علمی در راس مهم ترین عواملی هستند که در این خصوص مورد توجه قرار گرفته اند؛ بنابراین عملکرد آن ها به ویژه در حوزه آموزشی بسیار مورد توجه است و اعضای هیأت علمی تعیین کنندگان اصلی عملکرد دانشجویان هستند (King Rice, 2003). یک آموزشگر اثربخش، می تواند موجب تسهیل فرآیند آموزش شده و حتی نقص کتب درسی و کمبود امکانات آموزشی را جبران کند و یا برعکس، بهترین موقعیت و موضوع تدریس را به علت عدم کارآمدی، به تدریسی ناکارآمد و ناموفق تبدیل کند.

پژوهش در مورد شناسایی و به کارگیری مولفه های شایستگی های تدریس در دانشگاه، پیش از هر چیز در یافتن کمبودها و جبران نواقص آموزشی موثر است. چرا که؛ این امر منجر به تقویت نقاط قوت موجود در کیفیت تدریس استادان خواهد شد (Mohammadi Khangah & Hosseinzadeh, 2016). شایستگی تدریس، حداقل اطلاعات، مهارت ها، ظرفیت های خلاقانه و گرایش حرفه ای و مطلوبیت هایی است که باید توسط اعضای هیأت علمی برای انجام وظایف اثربخش و ارائه خدمات شان کسب شود (Jennings et al, 1991). آموزش عالی برای برخورداری از کیفیت بهتر، ساختارهای کارآمدتر و قابلیت های بیشتر برای گسترش یادگیری، ترویج دانش، توسعه پژوهش، تولید علم و ارتباط موثر با جامعه برای بهسازی مداوم فرایند آموزش دانشگاهی، توانمندسازی نیروی انسانی و خودنوسازی، نیازمند استفاده از قابلیت های شایستگی تدریس ادراک شده می باشد تا بستر مناسب برای پیشرفت فراگیران در جهت تحقق اهداف آموزشی و توانمند سازی آنان را فراهم آورند (Koster & Dengerink, 2008, Steinhardt et al, 2017). پژوهشگران متعددی معتقدند که یکی از مشکلات اصلی دانشگاه ها، بی توجهی به تدریس و کیفیت آن در مقابل فعالیتهای پژوهشی است (Durišová, 2015). تحقق هدف های آموزشی مستلزم وجود نظام های رفتاری گوناگونی است که می تواند در برگزیده عناصر و عوامل موثر بر کیفیت آموزش و تدریس استادان باشد. برخی تحقیقات شایستگی های تدریس اعضای هیأت علمی را شامل: ایجاد جو مساعد یادگیری؛ درگیر کردن فعالانه فراگیران؛ ارزیابی دانش، مهارت و نگرش فراگیران؛ تسهیل دستیابی به اهداف آموزشی برای فراگیران؛ دادن بازخورد به فراگیران؛ آگاهی از میزان شایستگی و توانایی تدریس خود؛ پرورش خودراهبری و یادگیری مادام العمر، می دانند. صاحب نظران بر این باورند که کیفیت و میزان شایستگی تدریس اعضای هیأت علمی یکی از عوامل مهم در موفقیت دانشجویان است. بنابراین نداشتن مهارت و شایستگی لازم از سوی اساتید می تواند بر عملکرد اعضای هیأت علمی تاثیر داشته باشد (Rampai & Sopeerak, 2011). نتایج مطالعات صورت گرفته بر لزوم توجه به چهارچوب های شایستگی های تدریس ادراک شده اعضای هیأت علمی و بهبود و گسترش آن به عنوان مهم ترین پایه های سیاست های آموزشی برای آماده کردن فراگیران برای زندگی در جامعه تاکید زیادی

دارند (Bing-You, Lee, Trowbridge, Varaklis, & Hafler, 2009). همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهد که؛ سهم معناداری از واریانس دیدگاه دانشجویان نسبت به مدرس (به جای توانایی تدریس و ویژگی‌های درس) بر اساس جذبه شخصیتی مدرس تبیین می‌شود (shirbagi, Hemati, & Nemati, 2018; Torkzadeh, Marzooghi, Mohammadi, & Kermaj, 2017). با توجه به اهمیت موضوع در طول یک دهه گذشته بررسی شایستگی‌های تدریس اعضای هیأت علمی مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است. اهمیت این موضوع، در آن است که سرنوشت دانشجویان به اساتید و میزان شایستگی آنان در زمینه تدریس بستگی دارد. بنابراین به دلیل جذابیت موضوع کاوش و تبیین شایستگی‌های مورد انتظار اعضای هیأت علمی در محیط‌های دانشگاهی، پژوهشگران مطالعات خود را به این سمت سوق داده‌اند.

مطالعات مختلفی برای تعیین معیارهای شایستگی تدریس اساتید انجام گرفته است که به بررسی دیدگاه‌های دانشجویان و اعضای هیأت علمی پرداخته‌اند. در این میان بازخورد دانشجویان از کیفیت تدریس استادان در کانون توجه قرار داشته است (Tulbure, 2013). زیرا این امر، هم توجهی از چگونگی عملکردها است و هم به‌طور پیوسته باعث بهبود عملکرد اساتید در فرآیند آموزش می‌گردد. هرچند مطالعات مذکور تنها به ابعادی از شایستگی‌های تدریس اعضای هیأت علمی در محیط‌های دانشگاهی پرداخته‌اند. به‌طور مثال: در تحقیق (Jafari & Abdsharifi, 2013) ایجاد جو مساعد یادگیری، درگیرکردن فعالانه فراگیران، ارزیابی دانش، مهارت و نگرش فراگیران، تسهیل دستیابی به اهداف آموزشی برای فراگیران، دادن بازخورد به فراگیران، آگاهی از میزان شایستگی و توانایی تدریس خود و پرورش خودراهبری مهم‌ترین مولفه‌های شایستگی تدریس ادراک شده اعضای هیأت است که بر دستاوردهای تحصیلی دانشجویان اثر مثبت و معنادار دارد. در جدول ۱ به‌طور خلاصه به برخی از این پژوهش‌ها اشاره شده است.

جدول (۱): خلاصه‌ای از پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص شایستگی تدریس از دیدگاه دانشجویان

ردیف	پژوهشگر	نتایج
۱	Satarri (2014)	نتایج نشان داد مهمترین ویژگی از دیدگاه دانشجویان، دانش پژوهی، روش تدریس مناسب، قدرت برقراری ارتباط، شخصیت فردی، جو کلاس، محور قرار دادن رشد دانشجو، ارزشیابی مناسب از دانشجو است.
۲	Raadabadi et al (2014)	به تعیین مهم‌ترین مولفه‌های موثر بر اثربخشی تدریس اساتید از دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد بیان شیوا، ساده و انتقال واضح مطالب بیشترین تاثیر را بر اثربخشی تدریس اساتید دارد
۳	Salimi & Ramazani (2015)	شناسایی مولفه‌های تدریس اثربخش و ارزیابی وضعیت تدریس از نظر خبرگان برنامه درسی انجام شد. نتایج نشان داد مولفه‌های روابط انسانی، طرح درس مطلوب، توجه به محیط یادگیری، انجام دقیق روش تدریس مناسب، ویژگی‌های شخصیتی مدرس و ارزشیابی به موقع، بیشترین تاثیر را بر متغیر تدریس اثربخش دارد.

عوامل و مولفه‌های اثربخش از دیدگاه دانشجویان دانشگاه کردستان شامل مهارت آموزشی، ارزیابی نظام‌مند و منش فردی بود. از دیدگاه اعضای هیأت علمی علاوه بر علاوه بر مهارت آموزشی و منش فردی، خصوصیات اخلاقی و عوامل ارتباطی نیز شامل شد.	Asadi, Khalili & Hamtan 2016	۴
از نظر دانشجویان بهداشت حرفه‌ای مهم‌ترین عامل در کیفیت تدریس؛ دانش پژوهی، روش تدریس، قدرت ایجاد ارتباط و شخصیت فردی بود.	Mohammadi, (2017)	۵
مهارت پرسیدن، ارتباط روشن، سازمان‌دهی دروس، بازخورد اثربخش، آغاز دروس با مرور و خاتمه با خلاصه، کاربردپذیری در همه موقعیت‌های یادگیری بود.	Agbetsiafa (2010)	۶
با هدف شناسایی مولفه‌های تدریس اثربخش اساتید رشته برنامه ریزی درسی از دیدگاه دانشجویان انجام شد، نتایج نشان داد؛ ویژگی‌های علمی، مهارت‌های تدریس، مدیریت کلاس، ویژگی‌های اخلاقی، انگیزش و ارزشیابی ۶ بعد شناسایی شده در کیفیت تدریس اساتید از نظر دانشجویان بود.	Abdolmaleki, Maleki & Asadi (2018)	۷
نتایج نشان داد از دیدگاه استادان و دانشجویان دانشگاه فرهنگیان عوامل فردی و حرفه ای استادان، اجرای موفق برنامه درسی، ارزشیابی آموزشی، مدیریت کلاسی فضای فیزیکی دانشگاه، عوامل برون ساختاری و درون ساختاری بیشترین نقش را دارند.	Khadivi & Seyyedkalan (2018)	۸
از دید دانشجویان علوم پزشکی، توانایی برقراری ارتباط، داشتن تجربه تدریس، انتقادپذیری، خلاقیت، ارائه مطالب، نظم منطقی و تدریس به زبان ساده از مهمترین ویژگی یک استاد خوب است.	Mazloomi and et al (2018)	۹
به منظور شناسایی جایگاه شایستگی تدریس از منظر دانشجویان دکتری دانشگاه شیراز انجام شد، نتایج نشان داد؛ از دیدگاه دانشجویان دوره‌ی دکتری مهم‌ترین شایستگی اعضای هیأت علمی در یک دهه‌ی آینده، شایستگی پژوهشی است. همچنین مهم‌ترین موضوعی که در رابطه با فعالیت‌های تدریس، پژوهش و آموزش اعضای هیأت علمی در یک دهه‌ی آینده اهمیت دارد، وفور اطلاعات در دسترس و فناوری‌های نو است.	Salimi et al (2018)	۱۰
ویژگی شخصیتی و سبک رهبری کلاس درس استادان را در کیفیت تدریس آن‌ها موثر دانسته‌اند. از بین ویژگی‌های شخصیتی، مولفه‌های برون‌گرایی، باوجدان بودن و توافق با مولفه‌های توان علمی و رفتار علمی دارای همبستگی مثبت و معنادار بود.	Yarmohammadzade h et al (2018)	۱۱

نکته حائز اهمیت در ارتباط با پژوهش‌های صورت گرفته، توجه به تنها بخشی از شایستگی‌های اعضای هیأت علمی در فرایند آموزش است. باید به این نکته توجه داشت که به دلیل ماهیت در حال تغییر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، شایستگی‌های مورد نیاز اعضای هیأت علمی دائماً در حال تغییر و تحول است. اهمیت نقش شایستگی‌های تدریس ادراک شده اعضای هیأت علمی در موفقیت موسسات آموزشی برای دستیابی به مطلوبیت‌های آموزشی و سازمانی و همچنین ایجاد شرایط مطلوب در توسعه‌ی دستاوردهای تحصیلی در دانشجویان قابل توجه است (Dorisva et al, 2015). لذا هدف از پژوهش حاضر بررسی شایستگی تدریس اعضای هیأت علمی با توجه به شرایط در حال تغییر بوده است. بنابراین تلاش شد با نگاهی به یافته‌ها و پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته، مولفه‌های اصلی شایستگی تدریس از منظر دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد مورد شناسایی قرار گیرد.

روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و با استفاده از روش پدیدارشناسی انجام شد. در انجام پژوهش پدیدارشناسی، پژوهشگر با پدیده‌های مورد پژوهش ارتباط نزدیک دارد و می‌خواهد خود را در جریان تجربه این پدیده‌ها بشناسد. به عبارت دیگر، پدیدارشناسی به جهان، آن‌چنان که به وسیله یک فرد زیسته می‌شود، نه جهان واقعیتی که چیزی جدای از انسان باشد، توجه دارد (Chanari, 2007). جامعه مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد ۹۸-۱۳۹۷ بودند که از میان آن‌ها ۲۲ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند^۱ و با بیشترین تنوع^۲ انتخاب شدند. فرایند گزینش افراد تا زمانی ادامه پیدا کرد که در جریان کسب اطلاعات هیچ داده جدیدی پدیدار نشد. لذا جمع‌آوری داده‌ها تا حصول اشباع نظری ادامه یافت و در نهایت تعداد مشارکت‌کنندگان به ۲۲ نفر رسید. جمع‌آوری داده‌ها، از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته^۳ انجام گرفت. به این صورت که ابتدا سوالات کلی برای شروع مصاحبه مطرح و بر اساس پاسخ نمونه‌ها، روند مصاحبه هدایت می‌شد. مصاحبه‌ها با تعیین وقت قبلی و انتخاب محل با نظر شرکت‌کنندگان انجام گردید. بدین ترتیب پس از هماهنگی‌های انجام شده، مصاحبه‌ها در محل کار مشارکت‌کنندگان انجام شد. مدت زمان هر مصاحبه بر حسب شرایط و تمایل شرکت‌کنندگان از ۳۰ تا ۴۵ دقیقه به طول می‌انجامید. در جدول ۲ مشخصات و ویژگیهای جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش ارائه شده است.

۱. Purposeful sampling
۲. Maximum variation
۳. Semi-structured interview

جدول (۲): ویژگی های جمعیت شناختی

مقطع تحصیلی	رشته تحصیلی	جنسیت	کد مشارکت کننده
کارشناسی ارشد	علوم تربیتی	زن	۱
کارشناسی ارشد	تربیت بدنی	زن	۲
کارشناسی	تربیت بدنی	مرد	۳
دکتری	علوم تربیتی	زن	۴
کارشناسی ارشد	مهندسی	مرد	۵
کارشناسی ارشد	مهندسی	مرد	۶
کارشناسی	مدیریت دولتی	زن	۷
دکتری	ریاضی	زن	۸
کارشناسی	مهندسی	مرد	۹
کارشناسی ارشد	زبان انگلیسی	مرد	۱۰
کارشناسی ارشد	کشاورزی	زن	۱۱
دکتری	حقوق	مرد	۱۲
کارشناسی ارشد	علوم سیاسی	زن	۱۳
دکتری	مشاوره	زن	۱۴
دکتری	روانشناسی	مرد	۱۵
کارشناسی ارشد	مدیریت دولتی	مرد	۱۶
کارشناسی	اقتصاد	زن	۱۷
کارشناسی ارشد	حسابداری	زن	۱۸
کارشناسی ارشد	مهندسی	مرد	۱۹
دکتری	مهندسی	مرد	۲۰
کارشناسی ارشد	ادبیات	زن	۲۱
کارشناسی ارشد	شیمی	زن	۲۲

برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. Maarofi & Yosafzadah (2009) مضمون را پر ارزش ترین واحدهایی که در تجزیه و تحلیل محتوا باید مدنظر قرار گیرند تعریف کرده اند. منظور از مضمون معنای خاصی است که از یک کلمه یا جمله یا پاراگراف مستفاد می شود. این مضامین فضای خاص و مشخصی را اشغال نمی کنند، چون یک جمله ممکن است چند مضمون داشته باشد و یا چند پاراگراف متن، ممکن است فقط یک مضمون داشته باشد. بنابراین بلافاصله بعد از انجام مصاحبه، مطالب پیاده سازی می شد. سپس با خواندن دقیق و مکرر مصاحبه ها و توصیف شرکت کنندگان سعی در درک بهتر و هم احساس شدن با آن ها می شد. در مرحله دوم سطر به سطر داده ها مورد بررسی قرار گرفت و جملات معنی دار مرتبط با موضوع اصلی پژوهش علامت گذاری شد.

سپس معانی استخراج شده، کدگذاری شدند. در مرحله بعد دسته‌بندی کدها آغاز و پس از بازخوانی مکرر کدها مفاهیم احصاء شده درون دسته‌ها و خوشه‌های موضوعی قرار داده شد و تم‌های اصلی به دست آمد. در تجزیه و تحلیل داده‌ها، با رویکرد استقرایی ابتدا پاسخ‌های بدست آمده به طور مکرر جهت استخراج کدها بازخوانی شدند که این فرایند پیوسته تا استخراج کدها و نام‌گذاری تداوم یافت و در مرحله بعد کدها بر اساس شباهت‌ها و یا تفاوت‌هایشان به طبقاتی دسته‌بندی شدند و سپس نمونه نقل قول‌های مربوط به هر دسته از مصاحبه‌کنندگان بیان شد. روایی و پایایی پژوهش با در نظر گرفتن چهار معیار: باورپذیری^۱، انتقال‌پذیری^۲، وابستگی^۳ و اعتمادپذیری^۴ مورد ارزیابی قرار گرفت. باورپذیری به بازنمایی کافی سازه اجتماعی که محقق در پی بررسی آن است، اشاره می‌کند و برای باورپذیر کردن اقداماتی نظیر: بررسی و درگیری طولانی مدت با داده‌ها، مشاهده مستمر، تطابق همگونی یافته‌ها، تحلیل داده‌های متضاد، بررسی تفسیر داده‌های خام و گفتگو با همکاران صورت گرفت. انتقال‌پذیری؛ مشابه تعمیم‌پذیری نتایج در رویکرد کمی به پژوهش است. وابستگی؛ به ثبات نتایج در طول زمان اشاره می‌کند و تاییدپذیر بودن این مولفه به میزان تایید ویژگی داده‌های مورد بررسی پژوهشگر توسط خوانندگان اشاره می‌کند (Momeni Rad, Ali Abadi, Fardanash, & Mazini, 2013). به این منظور برای بررسی اعتبار فرایند کدگذاری، از شیوه کدگذاری مجدد برای حداقل بیست درصد از مصاحبه‌ها استفاده شد. در فرایند اعتبار سنجی یافته‌ها، با قرار دادن متن مصاحبه‌ها در اختیار مشارکت‌کنندگان، پژوهشگران سعی کردند به این نتیجه برسند که آیا ادراکات آن‌ها از مصاحبه درست است یا خیر؟ همچنین در طی فرایند تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های تطابق همگونی یافته‌ها، بازخورد مشارکت‌کنندگان و خبرگان غیر مشارکت‌کننده، از اعتبار تحلیل‌ها اطمینان حاصل شد.

یافته‌ها

از مجموع ۲۲ نفر شرکت‌کننده در پژوهش، ۱۲ نفر زن و ۱۰ نفر مرد بودند. میانگین مدت زمان مصاحبه‌های انجام شده ۳۸ دقیقه بود. شایستگی‌های مورد نیاز تدریس اساتید در ۶ مضمون اصلی^۵ و ۳۱ مضمون فرعی^۶ و ۲۵۴ کد باز شناسایی و طبقه‌بندی گردید که در جدول ۳ ارائه شده است.

1. Credibility
۲. Transferability
۳. Dependability
۴. Conformability
5. Theme
6. Sub-themes

جدول (۳): شایستگی های تدریس از دیدگاه دانشجویان در قالب مضامین اصلی و فرعی

مضامین اصلی	مضامین فرعی
مهارت آموزشی	ویژگی علمی و اطلاعاتی اساتید، تسلط بر موضوع، آشنایی با روش های مناسب تدریس، انتقال واضح مطالب، فن بیان و شیوایی بیان موضوع، داشتن طرح درس مشخص، داشتن برنامه سالانه، ماهانه و هفتگی و روزانه با اهداف مشخص آشنایی با شیوه های ارزشیابی، ارزشیابی منظم و سازنده
مهارت پژوهشی	ارائه مطالب بر اساس تحقیقات، تلفیق پژوهش در آموزش، روحیه پژوهش محوری تشکیل تیم های تحقیقاتی، پرورش پژوهشگر
اخلاق حرفه ای	انتقادپذیری و عدم واکنش منفی، داشتن تعهد کاری
مهارت های ارتباطی	مهارت ارتباطی موثر، کم شدن فاصله بین استاد و دانشجو، ایجاد انگیزه و اعتماد در دانشجو، خوش بینی
ویژگی های شخصیتی	قاطعیت استاد، بیان احساسات و اعتقادات خویش به نحوی مناسب، رفتار عادلانه استاد، توجه به تفاوت های فردی
مدیریت کلاس	الگو بودن، ویژگی های ظاهری، مدیریت زمان، رعایت نظم در کلاس، وقت شناسی، ایجاد محیط جذاب و مناسب برای یادگیری، ایجاد جو و فضای باز

۱- شایستگی آموزشی

یکی از عمده ترین وظایف اعضای هیأت علمی در هر نظام آموزشی، تدریس و راهبری جریان یاددهی-یادگیری است. در این راستا مطالعات متعددی در ایران و نیز در سایر کشورهای انجام گرفته است که دلیلی بر اهمیت این حیطة خاص از وظایف عضو هیأت علمی است. فعالیت های چشمگیر آموزشی و خلاقیت های فردی در این حیطة باید به خوبی تشویق شوند، تا باعث افزایش خلاقیت ها و انگیزه ها در حیطة آموزشی شوند (Zahedi & Bazargan, 2014).

۱-۱- **ویژگی علمی و تخصصی:** از جمله شایستگی های اصلی آموزشی اساتید توانایی مهارت های تدریس، و برخورداری از دانش موضوعی در حیطة شغلی خود و برخورداری از نظام معرفتی پیچیده تر و دقیق تر و به طوری که بتوانند مسائل تدریس و تربیت را به خوبی دریابند و به نیازهای شاگردان پاسخ دهند است. بطوری که یکی از یافته های پرتکرار در اظهارات تمام مشارکت کنندگان عبارت بود

از: "یک استاد شایسته باید به طور عمیق دانش و تخصص و مهارت انتقال دانش داشته باشد بسیاری از اساتید دانش را دارند ولی مهارت انتقال آن را به دانشجو ندارند(مشارکت کننده ۳)". "به نظر من بیش از هر موضوع تسلط استاد بر موضوعی که می‌خواهد تدریس کند اهمیت دارد و بعد بروز بودن مطالب است که باعث جذب دانشجویان به کلاس و توجه آن‌ها می‌شود(مشارکت کننده ۵ و ۷)". "به نظر من اساتید باید آنلاین باشند و اطلاعاتشان به‌روز باشد بعضی از اساتید سر کلاس از همان جزواتی که چندین ترم تدریس می‌کردند استفاده می‌کنند اساتید باید به دنبال ارتقا سطح علمی خود نیز باشند(مشارکت کننده ۸ و ۱۵)".

۱-۲- استفاده از روش تدریس مناسب: استاد حرفه‌ای در تدریس، کسی است که دانش و تجربه‌ی کافی دارد و روش تدریس نیز می‌داند؛ یعنی اینکه می‌داند چه روش‌ها و فنون را در کجا و چگونه به کار گیرد تا کلاس کارآمد و اثر بخش داشته باشد. اساتیدی که هر سه ویژگی دانش، تجربه و روش را توأمان دارا باشند، از شایستگی حرفه‌ای لازم برخوردارند. بسیاری از مشارکت کنندگان داشتن علم را به تنهایی نشانه شایسته بودن اساتید نمی‌دانستند بلکه، تجربه لازم در امر آموزش و انتقال مطالب به دانشجویان را مهم می‌دانستند.

"بیشتر اساتید به شیوه اساتید خودشان و الگوبرداری از روش‌های گذشتگان تدریس می‌کنند. البته دلیلش می‌تواند هم استاد باشد و هم دانشجویان. چون دانشجویان تمایل به جزوه‌نویسی دارند بنابراین اساتید هم تلاشی برای بروزرسانی اطلاعات و معلومات نمی‌کنند. اگر اساتید با فنون و شیوه‌های تدریس جدید آشنا باشند، می‌توانند در بهبودی مهارت و افزایش یادگیری دانشجویان خیلی موثر باشند(مشارکت کننده ۸)". همچنین مشارکت کننده ۱۱ اظهار داشت: "تدریس باید تنوع داشته باشد به نظر من در رشته ما تدریس به صورت پرسش و پاسخ خیلی بهتر است، اساتید نباید وابسته به اسلاید باشند هر چیزی که به صورت نوشتاری و دیداری باشد در ذهن بهتر می‌ماند(مشارکت کننده ۱۱)".

۱-۳- انتقال واضح مطالب: فن بیان استاد یکی از شایستگی‌های حرفه‌ای اساتید است. در این زمینه می‌توان به بیان مطالب به زبان شیوا قابل فهم و منسجم، ارائه مثال‌های روشن، چهارچوب و ساختارمندی ارائه مطالب در کلاس اشاره کرد. بسیاری از دانشجویان معتقد بودند یک استاد باید توانایی انتقال مطالب را به دانشجویان داشته باشد.

"به نظر من باید استاد بتواند با زبان ساده مسائل پیچیده را بیان کند، به آهستگی مبحث را تدریس کند تا دانشجو متوجه شود (مشارکت کننده ۳ و ۹)". "قدرت بیان استاد بسیار مهم است گاهی ما با اساتیدی کلاس داریم که به لحاظ علمی آدم‌های توانمندی هستند ولی قدرت بیان و لحن سخن گفتن آن‌ها طوری است که توقع نداریم، با خود فکر می‌کنیم این فلان استاد بزرگ است! به نظر من استاد باید علاوه بر سواد روز، توانایی انتقال مطالب را داشته باشند که این متفاوت از سواد علمی است(مشارکت کننده ۴)".

۱-۴- داشتن طرح درس مشخص: یکی از کارهای اصلی هر عضو هیأت علمی، مدیریت فرایند یاددهی-یادگیری است. آموزش فعالیتی تصادفی و بی قاعده نیست. یک عضو هیأت علمی باید از قواعد کار خود به خوبی آشنا و بدان پایبند باشد. برای مثال داشتن طرح درس و برنامه ریزی قبلی عضو هیأت علمی برای آموزش یک الزام است. نداشتن برنامه و هدف فرد را در رسیدن به اهدافش سردرگم می کند.

برخی مشارکت کنندگان در این خصوص چنین بیان کردند: "به نظر من اساتید باید از قبل محتوای درسی را که قرار است ارائه دهند مشخص کنند. هرچند حتی اگر از قبل بدانیم شاید محتوای درس را مطالعه نکنیم ولی باز هم به نظر من باید اساتید موضوع مورد بحث را از قبل مشخص کنند(مشارکت کننده ۱۹ و ۸)". "به نظر من اساتید باید مباحثی را که می خواهند تدریس کنند با زمان کلاس تنظیم کنند. بعضی از کلاس های ما طولانی و خسته کننده است و مطالبی که بیان می شود خیلی ایجاد انگیزه نمی کنند. بهتر است بیشتر مسائل مورد نیاز بیان بشود(مشارکت کننده ۱۱)".

۱-۵- شیوه های ارزیابی آموخته ها: این مضمون بیانگر توانایی و مهارت هایی است که اساتید برای سنجش دانش، مهارت و نگرش فراگیران از اهداف آموزشی در فرایند و تجارب یادگیری به کار می گیرند. برخی از مشارکت کنندگان ابراز داشتند، ارزشیابی اساتید از مباحث تدریس شده در پایان کلاس در ایجاد توجه و تمرکز دانشجویان به تدریس مهم است. در اظهارات مشارکت کنندگان در پژوهش، مکرراً بر این نکته تاکید می شد که ارزشیابی دانشجویان باید به طور منظم و تاکید بر ارزشیابی تکوینی در فرایند تدریس و بصورت منصفانه و دقیق انجام شود.

بطور نمونه برخی از مشارکت کنندگان در این رابطه چنین بیان داشته اند: "اساتید باید ارزیابی از آموخته های دانشجویان در انتهای بحث داشته باشند تا توجه دانشجویان به مباحث تدریس باشد. بین دانشجویان نباید تبعیض قائل بشوند و نظرات شخصی شان را در ارزشیابی و نمره دادن دخالت بدهند(مشارکت کننده ۹ و ۲۲)". "به نظر من ارزشیابی باید به صورت تشریحی باشد نه تستی و بیشتر از مباحث شایع باشد و بر اساس رفرنس مشخص شده و گفته های سر کلاس(مشارکت کننده ۷)". "اساتید نباید دانشجویان را از امتحان بترسانند و از نمره به عنوان وسیله ای برای کنترل دانشجویان استفاده کنند(مشارکت کننده ۱۶)". "و یا بیان عباراتی همچون "فرایند ارزشیابی بر اساس مطالب و محتوای ارائه شده در کلاس باشد" و یا "استمرار بحث های کلاسی و ارزشیابی از آن ها" نشان از اهمیت ارزشیابی در شایستگی تدریس اساتید دارد.

۲- شایستگی پژوهشی

وظیفه اصلی دانشگاه و اعضای هیأت علمی، توسعه علمی است. توسعه پایدار و همه جانبه جز بر مدار دانشگاه و نظام آموزشی پایدار و پژوهشی پاسخگو و کارآمد نمی چرخد، حوزه پژوهشی به عنوان یک حوزه مهم در شایستگی اعضای هیأت علمی مشخص شده است. سرمایه گذاری در تحقیقات و تولید

و نوآوری علمی از بالاترین ارزش افزوده برخوردار است (Zahedi & Bazargan, 2014). مشارکت دانشجویان در کارهای علمی و پژوهشی و نقش رهبری و تسهیل‌گری توسط مدرس در کیفیت تدریس اساتید موثر است. بیان عباراتی همچون روحیه جستجوگری، تشویق دانشجویان به پژوهش و تحقیق علمی نشان از اهمیت این شایستگی در تدریس اساتید بود. از مقوله‌های فرعی شناسایی شده در این حوزه ادغام پژوهش در آموزش، ارائه مطالب بر اساس تحقیقات، و تشکیل تیم‌های تحقیقاتی بود.

۱-۲- تلفیق پژوهش در آموزش: تجربه مشارکت‌کنندگان نشان از این واقعیت داشت که در محیط‌های دانشگاهی اگر آموزش با پژوهش ادغام شود و مطالب به صورت تجربی و مبتنی بر تحقیقات باشد یادگیری بهتر صورت خواهد گرفت. در این رابطه برخی مشارک‌کنندگان بیان کردند: "در محیط‌های دانشگاهی بهترین نتیجه در اثر بیان نتایج تحقیقات بدست می‌آید. مطالب کاربردی و تجربی نه صرفاً بیان موضوعات تئوری. باید بتواند در کلاس جدیدترین یافته‌ها و نتایج پژوهش‌ها را در آن موضوع بیان کند (مشارکت‌کننده ۳ و ۱۴) ، " ما انتظار داریم استاد به آخرین مطالب علمی منتشر شده در همان مباحثی که تدریس می‌کند تسلط داشته باشد، نه آن که صرفاً بر اساس رفرنسی که ۱۰ سال قبل تالیف شده تدریس کند. رسالت یک استاد باید تدریس آن چه درست است باشد نه آنچه که تعیین شده برای تدریس (مشارکت‌کننده ۱۷)".

۲-۲- ارائه مطالب بر اساس تحقیقات: بسیاری از مشارکت‌کنندگان انجام پژوهش و تحقیقات را رکن جدایی‌ناپذیر یک عضو هیات علمی می‌دانستند. در این رابطه مشارکت‌کننده ۶ چنین گفت: "وقتی یک استاد تدریس خود را بر اساس جدیدترین یافته‌ها بیان می‌کند از این لحاظ که فکر می‌کنی به روز است خیلی خوب است (مشارکت‌کننده ۶)". " به نظر من دانش پژوهی اساتید بسیار مهم است ولی مقاله‌هایی که کاربردی باشد و نتایج آن پژوهش را برای ما بیان کنند این طوری سطح علمی دانشگاه هم بالا می‌رود (مشارکت‌کننده ۱)".

۳-۲- تشکیل تیم‌های تحقیقاتی: با توجه به اینکه قسمتی از وظایف عضو هیات علمی منوط به امور پژوهشی است، تشویق دانشجویان به انجام امور پژوهشی و انجام کارهای پژوهشی مشترک با دانشجویان و ارتقا علمی آنان با توجه به فعالیت‌های پژوهشی، ضروری است. برخی مشارکت‌کنندگان وظیفه اساتید را ایجاد فضای شور و اشتیاق برای تقویت انگیزه در فراگیران برای شرکت در کاوشگری و روحیه جستجوگری و به چالش کشیدن ذهن دانشجویان در کلاس بیان کردند. برخی از اظهارات این‌گونه بیان می‌شد؛ به‌طور مثال مشارکت‌کننده ۱۷ اظهار داشت: "به نظر من بحث در مورد مسائلی که هنوز بدون پاسخ مانده است و دعوت از دانشجویان برای انجام تحقیق در این موارد بسیار خوب است و در دانشجو ایجاد انگیزه و روحیه پژوهش می‌کند (مشارکت‌کننده ۱۷)". " ... شرکت اساتید در کنگره‌ها و سمینارها مهم است، برگزاری کنفرانس‌های دانشجویی و تشویق دانشجویان برای شرکت در این کنفرانس‌ها یا برگزاری جلسات پرسش و پاسخ، به نظر من اساتید باید از بین دانشجویان

تیم های تحقیقاتی ایجاد کنند و انتقال تجربه را به شکل هرمی از بالا به پایین انتقال دهند (مشارکت کننده ۱۳ و ۲۰)."

۳- صلاحیت عاطفی و ارتباطی

بعد عاطفی با؛ علاقه، انگیزش، نگرش یا ارزش گذاری سروکار دارد. در اکثر پژوهش های انجام شده در زمینه تدریس اساتید، اثری از روابط عاطفی و تعامل بین استاد و دانشجو به چشم می خورد. هریک از افراد مشارکت کننده، دیدگاه خاصی در مورد این مقوله داشتند برخی معتقد بودند باید تا حد زیادی به دانشجو نزدیک و به لحاظ عاطفی و روانی با جلب اعتماد، فضای مناسبی برای فراگیر ایجاد کرد. از نظر Conklin & Desele (2007). مهم ترین دلایل باقی ماندن اعضای هیأت علمی بعد از احساس استقلال در کار، برقراری روابط عاطفی و بین فردی است.

۳-۱- **رابطه دوستانه با دانشجو.** مهارت ارتباطی به مجموعه عناصری که به تعامل سازنده بین دانشجو و استاد می پردازد، اشاره دارد. بیشتر مشارکت کنندگان در نگاه خود، مهارت ارتباطی مناسب و مبتنی بر اعتماد متقابل را مورد توجه قرار دادند.

یکی از یافته های پرتکرار که در اظهارات بیشتر مشارکت کنندگان وجود داشت، داشتن ارتباط حرفه ای با دانشجویان در حالت متعادل بود. به طور نمونه مشارکت کننده ۱۹ چنین گفت: "یکی از موارد مهم به نظر من ارتباط استاد با دانشجو است که متأسفانه ارتباطات خیلی ضعیف است. اساتید سر کلاس حاضر می شوند درس خود را می دهند و می روند حتی بعضی از اساتید اسم دانشجویان خود را یاد نمی گیرند. هیچ ارتباطی نیز برقرار نمی شود. این ها چیزهایی است که دانشجو را دلسرد می کند." "باید در رابطه با دانشجویان رعایت تعادل حفظ بشود نه خیلی صمیمیت زیاد و نه رابطه خیلی خشک باشد طوری که در کلاس احساس راحتی نکنیم و در تصمیم گیری ها به نظرات ما هم توجه نکنند (مشارکت کننده ۱۳).

۳-۲- **کم شدن فاصله بین استاد و دانشجو:** اساتید باید به دانشجویان خود مانند اعضای یک خانواده نگاه کنند و برجسته های روابط بین فردی و عاطفی تاکید کنند. مهارت های ارتباطی موثر باید یکی از اصولی باشد که مورد توجه اساتید قرار گیرد (Vahabi et al, 2012).

در این زمینه مشارکت کننده ۱۲ اظهار داشت: "این که تقریباً تمام اساتید مدام ذکر کنند که نسبت به دانشجویان خود برتری دارند و این که ترس و وحشت در دانشجو ایجاد کنند تنها نتیجه آن ایجاد ناامیدی است. فاصله ما با اساتید خیلی زیاد است و این باعث عدم توانایی اساتید در ارتباط موثر و آموزش درست است در صورتی که باید بتوانند بدون این که فاصله ای بین استاد و دانشجو باشد، انتقاد کنند و پیشنهاد بدهند (مشارکت کننده ۱۲)."

همچنین مشارکت کننده ۵ نیز چنین گفت: "تا زمانی که اساتید به دانشجویان از بالا نگاه کنند هیچ رابطه دوستانه ای بین استاد و دانشجو ایجاد نمی شود. به نظر من یک استاد شایسته باید خاکی باشد

وقتی احساس صمیمیت بین استاد و دانشجو بیشتر است احساس می‌کند تدریس استاد بیشتر به دل می‌شیند."

۳-۳- ایجاد انگیزه و اعتماد در دانشجو: این مقوله بیانگر اقداماتی است که باعث ایجاد برانگیختگی و تداوم و نگهداری رفتارهای دانشجویان به سمت اهداف آموزشی می‌شود. در نگاه بسیاری از مشارکت‌کنندگان یک رابطه دوستانه در ایجاد اعتماد متقابل بین استاد و دانشجو و ایجاد انگیزه در دانشجویان بسیار مهم ارزیابی شد.

مشارکت‌کننده ۱۲ اظهارات خود را اینطور بیان کرد: "دیدن دانشجویان به یک چشم و دلسوزی کردن، داشتن یک رابطه صمیمانه سبب می‌شود که دانشجویان به اساتید اعتماد کنند. احساس می‌کنم ایجاد اعتماد در عین جدیت، یک رابطه خوب و تاثیرگذار است (بیشتر مشارکت‌کنندگان). با ایجاد فضای همکاری بین دانشجو و استاد، به نحوی که دانشجو احساس مفید بودن کند، باعث ایجاد انگیزه در دانشجویان می‌شود و با پیگیری عملکرد دانشجویان باعث دلگرمی و پشتکار بیشتر می‌شود". همچنین مشارکت‌کننده ۱۶ در این زمینه چنین گفت: "بیشتر اساتید به علت مشغله کاری زیاد و تعداد زیاد دانشجو ارتباط کمی با دانشجویان خود دارند و زمان بسیار کمی را برای دانشجویان اختصاص می‌دهند در صورتی که ایجاد یک رابطه دوستانه مناسب، باعث ایجاد درک متقابل و شکل‌گیری حس مسئولیت‌پذیری و ایجاد انگیزه و اعتماد در دانشجو می‌شود".

۴- اخلاق حرفه‌ای استاد. اخلاق در تدریس، شاخه‌ای از اخلاق در آموزش عالی است که مشخص‌کننده مسئولیت‌های حرفه‌ای یک استاد در تدریس و آموزش است و یکی از ابعاد تاثیرگذار در نهادینه کردن رویکردهای اخلاقی در رفتار حرفه‌ای دانشجویان و خود اساتید است. اعضای هیأت علمی برای هدایت رفتار حرفه‌ای خود از یک سری اصول لزوماً نوشته نشده پیروی می‌کنند، برخی از مولفه‌های اخلاق حرفه‌ای که اعضای هیأت علمی ملزم به رعایت آن‌ها می‌باشند عبارتند از: صداقت، دقت و پذیرش عقاید جدید (Sharifi, Salimi & Ahmadi, 2011).

اخلاق حرفه‌ای با عباراتی همچون: "در درجه اول رفتار حرفه‌ای در حیطه‌ی کاری که توام با احترام باشد اهمیت زیادی دارد و طرز رفتار در میزان گیرندگی دانشجو موثر است (مشارکت‌کننده ۳ و ۱۵)". یا عبارت "داشتن سعه صدر، تواضع، فروتنی، وقت گذاشتن خارج از زمان معمول و... شایستگی‌هایی است که یک استاد باید در خود تقویت کند (مشارکت‌کننده ۴)" بیان شد. یا "باید انتقادپذیر باشد و تامل و ارزیابی انتقادی از عملکرد خود داشته باشد". همچنین مشارکت‌کننده ۸ در این زمینه اذعان داشت: "به نظر من باید از برترین‌های اخلاقی تجلیل شود، اخلاق مداری خیلی مهم است".

برخی از مشارکت‌کنندگان نیز به تعهد کاری اشاره داشتند و آن را لازمه کار اساتید دانستند. به‌طور مثال مشارکت‌کننده ۱۹ چنین گفت: "اساتید باید در قبال وظیفه و شغلشان تعهد کاری داشته باشند و نسبت به یادگیری و پیشرفت دانشجویان خود و خودشان احساس تعهد و مسئولیت داشته باشند".

۵- ویژگی های شخصیتی:

مجموعه ای از ویژگی های فردی است که زیر بنای نظام رفتاری افراد را تشکیل می دهند و می تواند بر چگونگی تشخیص و تفسیر محیط اطراف به وسیله افراد اثر بگذارند (Cortzi, 1997). "صرف نظر از ویژگی ها و مولفه های لازم علمی، لازم است استاد به لحاظ ارتقای شخصیت و نقش خود کوشش نماید. در واقع تک بعدی بودن در دنیای امروز پذیرفته نیست و یک عضو هیأت علمی باید در کنار مراتب علمی عوامل جانبی را نیز رعایت کند (مشارکت کننده ۹)".

۵-۱- قاطعیت استاد: تعدادی از مشارکت کنندگان بیان کردند، رفتار قاطع استاد در مدیریت کلاس مهم است. برخی از اظهارات این گونه بیان شد: "استاد باید مهربان و افتاده باشد و در عین حال اینقدر با شخصیت و مثبت باشد که خودش برای خودش احترام ایجاد کند و یک جدیت خاصی هم در رفتارش باشد (مشارکت کننده ۶)"، "هیچگاه کنترل کلاس از دستش خارج نشود. داشتن قاطعیت در مدیریت کلاس نقش دارد. منتها همراه آن بی احترامی به شخصیت دانشجو نباشد (مشارکت کننده ۹ و ۱۶)".

۵-۲- رفتار عادلانه استاد. بسیاری از مشارکت کنندگان در نگاه خود به شایستگی تدریس به نوع برخورد و رفتار استاد با دانشجویان تاکید داشتند. عباراتی همچون "فروتنی و نرمی و خوشرویی"، "عدم خرده گیری بی مورد"، "احساس خوشرویی و لحن مناسب با دانشجویان"، نشان از رفتار عادلانه اساتید دارد.

مشارکت کننده ۶ و ۱۷ اظهار داشتند: "رفتار اساتید با دانشجویان باید با احترام، نظم و بردباری باشد. با دانشجویان بحث و جدل نداشته باشد تا دانشجو راحت تر سوالات خود را بپرسد، اساتید نباید وقتی سوالی می پرسیم ما را ضایع کنند یا مسخره کنند، خیلی وقت ها شده برای ما سوال پیش آمده، اما از ترس تخریب کردن شخصیت سوال را نمی پرسیم (مشارکت کننده ۶ و ۱۷)". همچنین مشارکت کننده ۲۰ در این رابطه گفت: "اساتید باید مهربان و پاسخگوی سوالات هر چند سوالات سطحی دانشجویان، باشند. گاهی اساتید به دانشجویان با تاسف نگاه می کنند یا حتی می گویند شماها چیزی نمی شوید گاهی حتی سوالاتی را که می پرسیم مسخره می کنند اساتید باید با برخورد مناسب فضای راحت و بدون استرس را برای یادگیری دانشجو ایجاد کنند".

برخی از مشارکت کنندگان رفتار عادلانه اساتید را در غالب احترام به تنوع فرهنگ ها، جنسیت، تفاوت های فردی و بیان کردند. به طور مثال، مشارکت کننده ۱۱، چنین گفت: "اساتید باید اختلاف سلیقه ها، تفاوت های فردی، فرهنگی و توانایی های دانشجویان خود را درک کنند و به آنها احترام بگذارند (مشارکت کننده ۱۱)".

۵-۳- الگو بودن: منظور از الگو بودن، توانایی ارائه تصویری نمادین از خود در رفتار و منش، به گونه ای که سرمشق افراد گروه و نمایانگر رفتارهای مطلوب باشد.

" یک استاد شایسته باید یک الگو و نمونه، برای دانشجویان باشد چه از نظر شخصیت آموزشی و آکادمی و چه از نظر شخصیتی و اخلاقی باید فردی متواضع، منعطف و دلسوز باشد(مشارکت کننده ۱۹). " اساتید باید شخصیت خودشیفته و وسواسی نداشته باشند دارای بینش، خوش برخورد و باگذشت باشند. گاهی اوقات دانشجویان بعضی خطاها را انجام می‌دهند اساتید باید صبور باشند (مشارکت کننده ۱۲). " برخی از مشارکت‌کنندگان به ویژگی‌های ظاهری اساتید اشاره داشتند مشارکت‌کننده ۵ در این زمینه بیان داشت: "به نظر من یک فرد آکادمیک باید ظاهری آراسته و مرتب داشته باشد و از پوشیدن لباس‌های نامناسب و ظاهر نامتعارف اجتناب کند."

۶- مدیریت کلاس:

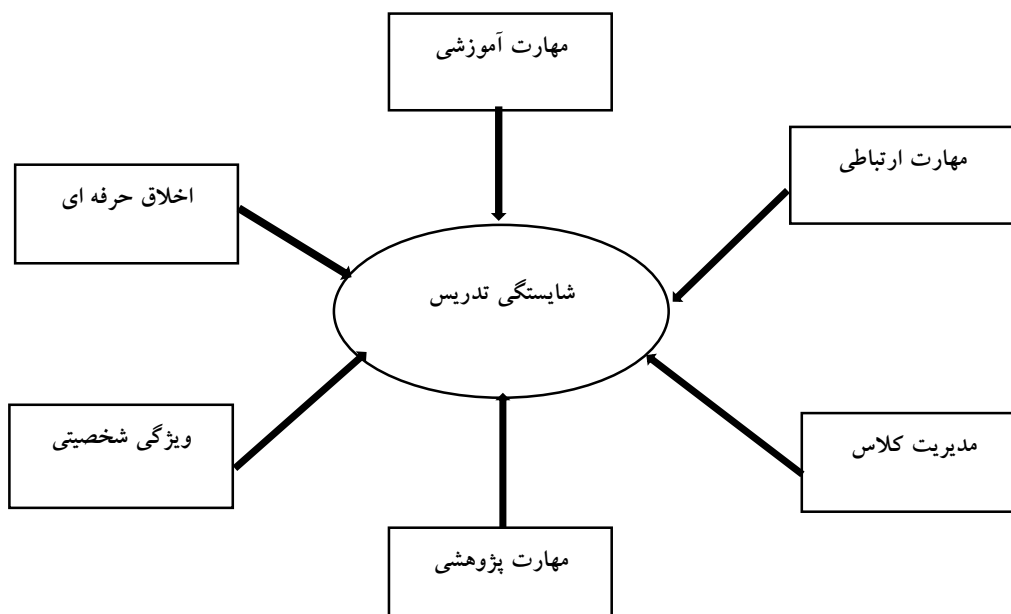
مدیریت کلاس درس؛ رهبری کردن امور کلاس درس از طریق تنظیم برنامه درسی، سازماندهی مراحل کار و منابع، سازماندهی محیط به منظور بالا بردن کار نظارت بر پیشرفت دانشجویان و پیش بینی مسائل بالقوه است. بهبود محیط یادگیری و جو حاکم بر کلاس می‌تواند در عرصه یادگیری و یاددهی متفاوت باشد؛ جو یا محیط، نمادی از برنامه درسی بوده و به منزله روح و محیط حاکم بر کلاس درس می‌باشد و یک تعیین‌کننده رفتاری و نشانگر ادراک دانشجویان از محیط پیرامون خود در عرصه یادگیری است (Noroozi, Nosrati Hashi, Hatami, & Mottaghi, 2015).

۶-۱- ایجاد محیط مناسب یادگیری: در کلاسی که سرزندگی و پویایی وجود دارد، اغلب تحرک و پویایی زیادی بین اعضای کلاس مشاهده می‌شود و وقایع تازه‌ای در کلاس به وجود می‌آید. در محیط- های سرشار از شادمانی، افراد کلاس احساس راحتی و آرامش دارند (Zahedi & Bazargan, 2014). اساتیدی که قادر باشند فضای کلاس را به فضایی مطلوب وانگیزی تبدیل کنند، نظم و پویایی را در کلاس ایجاد خواهند کرد. در این زمینه برخی مشارکت‌کنندگان چنین بیان داشتند: "تدریس باید همراه با بیان گفته‌های شاد و آموزشی باشد. استاد باید با انرژی و درک مطلبی که قرار است آموزش دهد، فضای شادی را برای دانشجویان ایجاد کند اساتیدی که الگو هستند همیشه سرحال و شاد سر کلاس حاضر می‌شوند(مشارکت کننده ۵) " ، "هرچه استاد پرانرژی با هیجان و فعال تر باشد از نظر شیوه بیان بیشتر در یادگیری تاثیر دارد. تا این که با یک صدای ثابت و بدون تحرک و فقط از روی اسلاید بخواند. بیش تر کلاس‌های ما فضای خسته‌کننده، بی‌انگیزی و ناامیدانه است(مشارکت کننده ۴ و ۱۶)".

برخی از مشارکت‌کنندگان اعتقاد داشتند کلاس باید فضای امن و مطمئن برای یادگیری فراگیران باشد، به طور مثال مشارکت‌کننده ۱۸ چنین گفت: "باید آزادی بیان در کلاس داشته باشیم به طوری که همه بتوانند در مباحث مختلف کلاسی شرکت کنند" و "کلاس درس نباید یکنواخت و خسته-کننده باشد استاد با تحرک و انرژی که می‌گذارد می‌تواند جو کلاس را خیلی بانشاط و جذاب کند(مشارکت‌کننده ۹)".

۶-۲- مدیریت زمان: مدیریت زمان به عنوان یکی از شایستگی های اعضای هیأت علمی است. در نگاه بعضی از شرکت کنندگان اهمیت به وقت دانشجویان و برگزاری جلسات آموزشی و رعایت وقت قانونی کلاس، داشتن برنامه ریزی کوتاه مدت و بلندمدت در کلاس، مورد توجه قرار گرفت. برخی از مطالب در این زمینه به این شکل بیان شد: "این خیلی مهم است که، استاد برای کار خود و برای وقت دانشجویان خود اهمیت قائل شود و از وقت کلاس حداکثر استفاده را ببرد. مهم تر این که کلاس ها را دائما کنسل نکنند چون این مسئله واقعا بی انگیزگی در دانشجو بوجود می آورد (مشارکت کننده ۶)". "مشارکت کننده ۱۳ نیز اذعان داشت "... به نظر من اساتید باید چنان برنامه ریزی داشته باشند که در مدت زمان کلاس بتوانند مطالبی را که بیشترین و بهترین کاربرد را دارند ارائه بدهند".

شکل (۱): شایستگی تدریس اعضای هیأت علمی



بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین مهم ترین مولفه های شایستگی تدریس اساتید از دیدگاه دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد انجام شد. چرا که، اولین مسئولیت هر نظام آموزش عالی اطمینان از مدرس و تدریس اثربخش است. تدریس اثربخش به عوامل متعددی وابسته است که شناخت هر کدام از این عوامل می تواند در بهبود کیفیت تدریس موثر باشد، همچنین تضمین کیفیت یاددهی- یادگیری مستلزم توجه جدی به تمامی عوامل درگیر در فرآیند یاددهی - یادگیری است. یکی از این عوامل

شایستگی تدریس اساتید است. نتایج به دست آمده از یافته‌های پژوهش نشان داد از دیدگاه دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد شایستگی تدریس، مهارت آموزشی، مهارت پژوهشی، مهارت بین فردی و ارتباطی، اخلاق حرفه‌ای، مهارت فردی و شخصیتی و مدیریت کلاس منجر به شایستگی تدریس اساتید می‌شود.

یکی از یافته‌های پژوهش مهارت آموزشی بود. مهارت آموزشی شامل زیر مقوله‌های ویژگی علمی و تخصصی، انتقال واضح مطالب، استفاده از طرح درس مناسب، ارزیابی نظام‌مند آموخته‌ها است. این مضمون به توانمندی اساتید در زمینه کاربرد روش‌ها، اصول و راهبردهای تدریس در فرایند یادگیری کلاس اشاره دارد که منجر به مدیریت موفق کلاس درس می‌شود. در تبیین این ابعاد و مولفه می‌توان گفت اعضای هیأت علمی نه تنها باید دارای مهارت‌های تخصصی باشند بلکه باید توانایی ارائه درس، سازماندهی و ارزیابی را نیز داشته باشند. ویژگی علم و دانش و ارائه مطالب نو، در جنبه مهارت‌های حرفه‌ای تدریس؛ ویژگی انتقال شفاف و واضح مطالب و نیز آماده‌سازی کلاس برای تفکر و بحث، سازماندهی، توالی و تنظیم مطالب، شیوه سنجش و ارزیابی، قضاوت درست و رعایت اعتدال به‌عنوان مهمترین شاخص‌های تدریس اثربخش است. یک عضو هیأت علمی بایستی قبل از شروع تدریس و در یک موقعیت و فضای مطلوب و با در نظر گرفتن عواملی چون؛ توانایی دانشجویان، انتخاب منابع و متون آموزشی مناسب، مشخص کردن سرفصل‌های درس را برای جلسه آینده طراحی نماید تا زمینه مناسبی برای تدریس فراهم کند.

در پژوهش (Siti Nurul & Amirul (2017)، مهارت آموزشی به عنوان یکی از ابعاد شایستگی تدریس اساتید شناسایی شده است. نتایج پژوهش (Peyman, Zarian & Sadeghifar (2011) نمایانگر این نکته است که مهم‌ترین ویژگی یک استاد توانمند از دیدگاه دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا، توانایی استاد در پاسخ به سوالات و اطلاعات تخصصی استاد است. همچنین در پژوهش انجام شده توسط (Asadi & Khalili (2016) که به بررسی دیدگاه اعضای هیأت علمی و دانشجویان در رابطه با تدریس اثربخش پرداخته شده؛ از نظر دانشجویان و اعضای هیأت علمی مهارت آموزشی یکی از مولفه‌های اصلی و بنیادی تدریس اثربخش شناسایی شد.

در تبیین این مولفه پژوهشی باید گفت پژوهش یکی از مهم‌ترین ارکان رشد و توسعه‌ی پایدار جوامع در ده‌های آینده است. چرا که جوامع با حرکت شتابان و رو به رشد جامعه‌ی جهانی و شکاف عمده بین کشورها در میزان دسترسی به علم و تکنولوژی نوین روبه رو هستند. در این بین دانشگاه‌ها باید به رشد و توسعه پژوهش در اعضای خود به‌ویژه اعضای هیأت علمی همت گمارند. زیرا بی‌تردید آینده متعلق به کشورهایی خواهد بود که در زمینه انجام پژوهش و تولید علم رشد یافته باشند. شایستگی پژوهش به معنی داشتن دانش در زمینه شیوه‌های پژوهش، ملاحظات اخلاقی در زمینه مهارت چاپ و نشر است.

یافته های پژوهش (Salimi et al (2017) ، نشان داد که از دیدگاه دانشجویان دکتری مهم ترین شایستگی اعضای هیأت علمی رشته های فنی و مهندسی در یک دهه ی آینده، شایستگی پژوهش خواهد بود. (Sinclair, Barnacle & Cuthbertl (2013 معتقدند اعضای هیأت علمی باید بتوانند دانشجویان را به پژوهشگران مستقل تبدیل کنند. در پژوهش انجام شده توسط Bonakdari, Mahran, (2016) Mahrozadah & Hashami، که به بررسی ویژگی های استاد شایسته از نظر اعضای هیأت علمی پرداختند توانایی در پژوهش به عنوان یکی از شایستگی های شناسایی شده بود.

یکی دیگر از مولفه های اثربخش در شایستگی تدریس اساتید مهارت بین فردی و روابط انسانی مطلوب استاد با دانشجویان است. این مضمون بیانگر علاقه، انگیزش، نگرش یا ارزش گذاری می باشد. متغیرهایی نظیر توانایی ایجاد ارتباط صمیمی با فراگیران، دسترس بودن در ساعات غیردرسی، عدم استفاده از تقویت کننده های منفی، توانایی ایجاد انگیزه یادگیری در فراگیران و استفاده از روش های مناسب برای برقراری ارتباط با فراگیران را در بر می گیرد. اگر اساتید حتی در بهترین سطح دانش و تخصص باشند اما فاقد مهارت های ارتباطی و عاطفی باشند، نمی توانند در فراگیران نفوذ کرده موجب تسهیل یادگیری شوند. این تعاملات به منظور هدایت و راهنمایی دانشجو بسیار مهم بوده و سبب صمیمیت بیشتر بین اساتید و دانشجویان خواهد شد. توجه به مولفه قدرت ارتباط موجب ایجاد محیط دوستانه و تعاملی و نبود تبعیض در کلاس درس می گردد. چنانچه این رابطه به خوبی برقرار شود؛ هدف های آموزشی با کیفیت و سهولت بیشتری تحقق می یابد (Sattari, 2014). زیرا مدرسی که علاقمند به توسعه ارتباط با فراگیران خود می باشد، علاوه بر آنکه گوینده خوب و فعالی در کلاس درس است، شنونده خوبی نیز هست. برقراری ارتباط دانشجو با استاد نه تنها باعث اعتماد به نفس و انگیزه یادگیری در دانشجو می گردد تا حدودی زیادی سازنده جوی است که می تواند یادگیری را دلنشین و آسان یا بالعکس، آن را خسته کننده و دشوار سازد. (Singleton & Newman (2009. بر این باورند که اساتید دانشگاه در اداره کلاس های خود باید به سمتی حرکت کنند که دانشجویان، متفکر، خلاق و مستقل پرورش یابند و لازمه این کار داشتن انعطاف و برخورد دوستانه و همراه با احترام با دانشجویان می دانند. نتایج تحقیق (Salimi, Karamali & Ehsani-Chimeh (2019 Yaghoubi، نشان داد؛ برقراری ارتباط صمیمانه با دانشجو و تسلط بر موضوع درس اهمیت بسیار بالایی برای دانشجویان در ارزشیابی اساتید دارد. برقراری یک ارتباط مناسب می تواند موجب ایجاد انگیزه و حتی پیشرفت تحصیلی در دانشجویان گردد. اگر ایجاد ارتباط مناسب و تبادل اطلاعات و افکار بین دانشجو و استاد به خوبی برقرار گردد ادراک کامل و یادگیری نیز به بهترین صورت انجام خواهد گرفت.

اخلاق حرفه ای اساتید یکی دیگر از یافته های پژوهش حاضر بود؛ توجه به رشد و توسعه همه جانبه و به ویژه اخلاقی استاد، می تواند منجر به بهبود عملکرد کلاسی دانشجویان شود. بر این اساس هدف از به کارگیری اخلاق حرفه ای در تدریس ترسیم اصول اخلاقی پایه ای است که مسئولیت های حرفه ای

اساتید را مشخص می‌سازد و یکی از ابعاد تاثیرگذار در نهادینه کردن رویکردهای اخلاقی در رفتار حرفه‌ای دانشجویان و اساتید است (Koster & Dengerink, 2008). اساتیدی که اصول اخلاق حرفه‌ای مانند رعایت حقوق فراگیری، تعاملات مطلوب علمی و اجتماعی با دانشجویان، را در فرایند تدریس و آموزش رعایت می‌کنند، موجب ارتقای کیفیت فرایندهای یاددهی-یادگیری می‌شود. این ویژگی‌ها؛ حس مسئولیت طلبی در یادگیری و آموزش، شوق به آموختن و انگیزه بیشتر برای یادگیری را در دانشجویان تقویت می‌کند (Babasafari, Marzoghi, Faqih & Torkzadeh, 2013). صلاحیت شخصی و فردی همان رفتار مشاهده شده اساتید است که نمود ابعاد شناختی و عاطفی در عمل است. این بعد نشانگر آن است که گفتار و کردار مدرس در ساختن محیط تدریس-یادگیری اثربخش نقش کلیدی دارد. متغیرهای تشکیل دهنده این عامل شامل احترام گذاشتن به دیدگاه‌های دیگران، وقت شناسی و حضور به موقع در کلاس، شوخ‌طبعی و برخورداری از روحیه مناسب در زمان تدریس، رعایت عدالت بین فراگیران می‌باشد. توجه به مولفه شخصیتی موجب می‌شود که دانشجویان از رفتارهای اساتید الگو برداری کنند توجه به مولفه فردی و داشتن شخصیت مناسب می‌تواند باعث رضایت بالای دانشجو در طول فرآیند تدریس گردد. (Najafi, Maleki, Farhani Farmahini, 2017) و (Jafari Harandi & Jafari Harandi, 2017) در نتایج پژوهش‌های خود اذعان نمودند که از نظر دانشجویان اعتماد به نفس، شخصیت و متانت، خوش اخلاقی، نظم از اهمیت بالایی برخوردار است. آنها معتقدند که در امر تدریس نه تنها آموزش استاد، بلکه شخصیت و منش و رفتار او در کلاس می‌تواند در افزایش شور و شوق و انگیزه دانشجو برای یادگیری و در نهایت ارتقاء آموزش موثر باشد. به عبارت دیگر، در فرایند تدریس فقط تجارب علمی و دیدگاه‌های علمی استاد نیست که موثر واقع می‌شود، بلکه تدریس اقتضائات خاص خود را دارد و شخصیت استاد در ایجاد شرایط یادگیری و تغییر و تحول فراگیران بسیار موثر است. خصوصیات رفتاری همچون؛ صداقت، رفتار عادلانه، انعطاف پذیری، وقت شناسی و ... منجر به تدریس موفق می‌شود. در پژوهش (Siti Nurul, Azkiyah, Amirul & Mukminin, 2017) ویژگی شخصیتی یکی از مولفه‌های اصلی در کیفیت تدریس اساتید شناسایی شده است. همچنین در پژوهش انجام شده توسط (Asadi & Khalili, 2016) که به بررسی عوامل اصلی و بنیادی تدریس اثربخش در آموزش عالی از دیدگاه دانشجویان و اعضای هیأت علمی انجام شده است شایستگی شخصیتی از دیدگاه اعضای هیأت علمی و دانشجویان مولفه اصلی در تدریس اثربخش شناسایی شده است. مدیریت کلاس نیز یکی از مولفه‌های اثرگذار در شایستگی تدریس اساتید شناسایی شد. این مضمون بیانگر مهارت اساتید در زمینه خلق و ساختن محیط یادگیری سازنده به منظور فعال و درگیر کردن هرچه بیشتر دانشجویان در فرایند یادگیری در کلاس درس است. ایجاد محیط آموزشی و یادگیری مناسب در کلاس، ایجاد پویایی و فضای شاد و نشاط متناسب با یادگیری در کلاس درس و دقت در مدیریت زمان و فراهم ساختن مدیریت کلاسی دموکراسی محور، کیفیت تدریس را افزایش می‌دهد. محیط شاد و مفرح کمک می‌کند که خلاقیت و توانایی‌های دانشجویان بروز کند و انگیزش و امنیت

ذهنی آنها افزایش پیدا کند. مدرس باید محیط آموزشی و امکانات یادگیری را چنان سازمان‌دهی کند که به صورتی زنده و منطقی با زندگی فراگیران ارتباط پیدا کند. زیرا روش های نو و ابتکاری منطبق با زندگی آنها موقعیت کلاس را جذاب‌تر کرده و رغبت و تلاش آنها را در یادگیری افزایش می‌دهد. هرچه جو کلاس درس خالی از استرس و اضطراب باشد و رابطه قوی انسانی و اجتماعی بین استاد و دانشجویان و دانشجویان با یکدیگر برقرار باشد، نگرش مطلوب‌تری نسبت به یادگیری پیدا می‌کنند (Jafari Sani, Balochzade & Bahmanabadi, 2013). در پژوهش (Asadi & Maleki 2018) Abdolmaleki, که به شناسایی مولفه‌های تدریس اثربخش از دیدگاه دانشجویان برنامه ریزی درسی پرداختند شده است یکی از مولفه‌های اصلی شناسایی شده در پژوهش مدیریت کلاس بود. همچنین (Lazarides & Buchholz 2019) در پژوهش خود به بررسی کیفیت تدریس ادراک شده توسط دانشجویان پرداختند. نتایج نشان داد مدیریت کلاس و حمایت استادان باعث کاهش اضطراب دانشجویان و افزایش کیفیت تدریس می‌شود. همچنین در پژوهش (Hubackova 2015) مدیریت کلاس یکی از مولفه‌های اصلی در تبیین پدیده تدریس اثربخش شناسایی شد. به طور کلی می‌توان گفت قابلیت اعضای هیأت علمی ضامن بقا و تداوم نظام آموزشی و دستیابی به هدف‌های والا است. بنابراین هرچه قابلیت و توانمندی اعضای هیأت علمی افزایش یابد، به همان میزان کیفیت تدریس بهبود می‌یابد و اعضای هیأت علمی در انجام وظایف و فعالیت‌های حرفه‌ای خود عملکرد بهتری خواهند داشت. اعضای هیأت علمی با کسب توانمندی و قابلیت‌های لازم در خود به واسطه کسب شایستگی‌های شناختی، عاطفی، رفتاری منجر به نوآوری در زمینه آموزشی و پژوهشی برای دانشگاه خواهند شد. همچنین مطلوب بودن شایستگی تدریس ادراک شده منجر به ارتقای دستاوردهای تحصیلی دانشجویان می‌گردد. بنابراین لازم است به انواع قابلیت‌ها ضروری برای رسیدن به موفقیت حرفه‌ای مجهز شوند

References

- Abdolmaleki, S., Maleki, H., & Asadi, F. (2018). Effective teaching component of teachers in curriculum planning. *Research in Curriculum Planning*, 15(32), 95-144. [In Persian].
- Agbetsiafa, D. (2010). Evaluating effective teaching in college level economics using student ratings of instruction: A factor analytic approach. *Journal of College Teaching and Learning*, 7(5), 57.
- Asadi, M., & Khalili, G. H. (2016). Effective Teaching Factors and Components from the Viewpoint of Students and Faculty Members of Kurdistan University. *Journal New Educational Thoughts*, 11(1), 53-68. [In Persian].
- Azkiyah, S. N., & Mukminin, A. (2017). In search of teaching quality of EFL student teachers through teaching practicum: lessons from a teacher education program. *CEPS Journal*, 7(4), 105-124.

- Bing-You, R. G., Lee, R., Trowbridge, R. L., Varaklis, K., & Hafler, J. P. (2009). Commentary: principle-based teaching competencies. *Journal of graduate medical education*, 1(1), 100-103.
- Bonakdari, N., Mahran, GH., Mahrozadah, T., & Hashami, A. (2016). Characteristics of a worthy professor in higher education. *A New Approach to Higher Education*, 1(7), 117-137. [In Persian].
- Chanari, M. (2007). Comparison of Husserl: Heidegger and Gadamer with a methodological benchmark. *Journal of philosophical research*, 24, 18-32. [In Persian].
- Conklin, M. H., & Desselle, S. P. (2007). Job turnover intentions among pharmacy faculty. *American journal of pharmaceutical education*, 71(4), 62.
- Cortazzi, M., & Jin, L. (2002). Communication for learning across cultures. In *Overseas students in higher education* (pp. 88-102). Routledge.
- Delavar, A. (1996). The few points about universities faculty evation, *psychology and education science quarterly*, 2, 69-83 [In Persian].
- Ďurišová, M., Kucharčíková, A., & Tokarčíková, E. (2015). Assessment of higher education teaching outcomes (Quality of higher education). *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 174, 2497-2502.
- Ghonchi, M., Hossini, M., & Hajazi, Y. (2012). Identifying and ranking factors explain teaching quality agricultural campus of Tehran University lecturers. *Journal of Agricultural Extension and Education preceding studies*, 5(3). [In Persian].
- Hubackova, S. (2015). Factors influencing the quality of teaching and the foreign language knowledge. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 197, 1952-1956.
- Jafari Sani, H., Balochzade, F., & Bahmanabadi, S. (2013). Relationship between skill oriented and performance oriented perceived class evaluation and self-direction on learning from the viewpoint of nursing and midwifery students of Mashhad University of Medical Sciences. *The Journal of Medical Education and Development*, 7(4), 41-51.
- Jafari, S., & Abdsharifi, F. (2013). Provide a structural model of the relationship between the perceived merits of the teaching faculty and students' academic achievements. *Journal of Teaching and Learning*, 6(1), 47-66. [In Persian].
- Jennings, C. M., Barler, A. D., & Bartling, C. A. (1991). Trends in colleges and universities faculty development programs. *Journal of Higher Education*, 9(3), 147-15.
- Keller, G. (2001). The new demographics of higher education. *The Review of Higher Education*, 24(3), 219-235.
- Khadivi, A., & Seyyedkalan, S. (2018). Factors Affecting the Quality of Teaching of Farhangian University. *Educational studies*, 7(18), 40-70. [In Persian].
- Koster, B., & Dengerink, J. J. (2008). Professional standards for teacher educators: how to deal with complexity, ownership and function. Experiences from the Netherlands. *European journal of teacher education*, 31(2), 135-149.
- Little, B., Locke, W., Parker, J., & Richardson, J. (2007). Excellence in teaching and learning: a review of the literature for the Higher Education Academy.
- Maarofi, Y., & Yosafzadah, M. (2009). *Content Analysis in the Humanities*. Published: Sapahr danash. [In Persian].
- Mazlumi, S., Rahaee, Z., Ehrampush, M., & Soltani, T. (2009). Features of a Powerful Teacher from Students' Point of View in Yazd Shahid Dostoughi University of Medical Sciences. *Hormozgan Medical Journal*, 14 (3), 45-58. [In Persian].
- Mohammadi Khangah, M., & Hosseinzadeh, O. A. (2016). Presenting and Verifying an Effective Teaching Model for Teachers at Tabriz University. *Journal of Instruction and Evaluation*, 8 (31), 77-91. [In Persian].

- Mohammadi, B. (2017). Review the viewpoint of professional health students about effective teaching. *Journal of Medical Education*, 4 (2), 7-12. [In Persian].
- Momeni Rad, A., Ali Abadi, K. H., Fardanash, H., & Mazini, N. (2013). Qualitative Content Analysis in Research: The Nature Steps and Validity of Results. *Educational Measurement Quarterly*, 14, 187-222. [In Persian].
- Najafi, H., Maleki, H., Farhani Farmahini, M., & Jafari Harandi, R. (2017). Evaluation of Professional Ethics Dimensions of faculty members teaching from the viewpoint of students at Shahed University School of Medicine. *J Med Edu Dev*, (9), 93-102. [In Persian].
- Noroozi, R., Nosrati Hashi, k., Hatami, M., & Mottaghi, Z. (2015). Evaluating the Relationship between University Atmosphere and University Students' Educational Motivatio (Contact Quality, Cooperation Quality, Student- Centeredness, Emotional Relations Case Study). *Scientific Journal Management System*, 5 (14), 77-100. [In Persian].
- Raadabadi, M., MaroufiSh, S., Mohammadi, A., & Mousavi., S. M. (2014). Study of the most important factors influencing the effectiveness of teaching from viewpoint of graduate students: AHP model approach. *Journal of Medical Education and Development*, 9(3), 58-66. [In Persian].
- Rice, J. K. (2003). *Teacher quality: Understanding the effectiveness of teacher attributes*. Economic Policy Institute, 1660 L Street, NW, Suite 1200, Washington, DC 20035.
- Salimi, J., & Ramazani, G. (2015). Identification of effective teaching components and assessment of teaching status. *Journal of Educational Measurement & Evaluation Studies*, 4(8), 33-61. [In Persian].
- Sattari, S. (2014). Assessment of effective teaching, componeets based on the students viewpoints. *Research in Curriculum Planning*, 10(12), 134-146. [In Persian].
- Serdenciuc, N. L. (2013). Competency-based education–Implications on teachers' training. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 76, 754-758.
- Share Pour, M., Fazali, M., & Salahi, S. (2008). Check indicators of quality in higher education based on merit analysis. *Journal of Higher Education*, 1, 1-18 [In Persian].
- Sharifi, S., Salimi, G., & Ahmadi, A. (2011). Studying the relationship between personality traits and organizational commitment of principals and teachers in elementary schools: middle and high Khansar city. *New Approaches in Educational Management*, (1)4, 6-81. [In Persian].
- Shirbagi, N., Hemati, A., & Nemati, S. (2017). The Effect of Faculty Members Personality Charisma on Students Perception of the Effectiveness of Teaching. *Journal of Research in teaching*, 5(4), 33-50. [In Persian].
- Sinclair, J., Barnacle, R., & Cuthbert, D. (2014). How the doctorate contributes to the formation of active researchers: What the research tells us. *Studies in Higher Education*, 39(10), 1972-1986.
- Steffy, B. E., Wolfe, M. P., Pasch, S. H., & Enz, B. J. (Eds.). (2000). *Life cycle of the career teacher*. Corwin Press.
- Steinhardt, I., Schneijderberg, C., Götze, N., Baumann, J., & Krücken, G. (2017). Mapping the quality assurance of teaching and learning in higher education: the emergence of a specialty?. *Higher Education*, 74(2), 221-237.
- Torkzadeh, J., Marzooghi, R., Mohammadi, M., & Kermaj, V.A. (2018). The Relationship Between the Competences of Course and Academic Achievements of the Students of Farhangian University. *Journal of Research in teaching*, 6(1), 99-199. [In Persian].
- Trigwell, K., & Prosser, M. (2004). Development and use of the approaches to teaching inventory. *Educational Psychology Review*, 16(4), 409-424.

- Tulbure, C. (2013). The effects of differentiated approach in higher education: An experimental investigation. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 76, 832-836.
- Vahabi, A., Nadrian, H., Sayyadi, M., Iranpour, A., Bahmanpour, K., & Moradzadeh, R. (2012). A Quantitative study of determinant factors of effective teaching in kurdistan university of medical sciences: Non-clinical teachers' viewpoints. *Iranian Journal of Medical Education*, 12(1), 46-54.
- Williams, J. M. (2007). College student experiences questionnaire research program. In *47th annual forum of the association for institutional research. Kansas city, MO*.
- Yaghoubi, M., Salimi, M., Karamali, M., & Ehsani-Chimeh, E. (2019). Factors affecting the evaluation of teachers by systematic and Delphi methods in the military university in Tehran. *Journal of Military Medicine*, 21(3), 251-261.
- Yarmohammad Zadeh, P., Fayze, A., Mohammadiyan, A., & Aaghtabay, A. (2018). The relationship between personality and leadership style of the classroom with the quality of teaching the university professors by self-assessment method. Presentation of a structural model. *Journal of Education and Evaluation*, 10(39), 29-51. [In Persian].
- Zahedi, S., & Bazargan, A. (2014). Opinion of faculty members about needs their professional development and practices. *Journal of Research and Planning in Higher Education*, 67, 89-69 [in Persian].